

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/06/13

موضوع: ریشه ها و عوامل شکل گیری جریان عاشورا

برنامه حبل المتین

فهرست موضوعات این سخنرانی:

ریشه ها و عوامل شکل گیری جریان عاشورا

- 1- مخالفت جامعه اسلامی با قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)
- 2- مخالفت جامعه اسلامی با سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)
- 3- جعل احادیث دروغ به جای احادیث راستین پیامبر (صلی الله علیه و آله)
- 4- جایگزین کردن صحابه به جای اهل بیت (علیهم السلام)
- 5- ترویج سب و لعن نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)
- 6- قتل و نابودی شیعیان و مدافعین ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)
- 7- جایگزین شدن «فسق» به جای «تقوا»

«حدیث ثقلین» در منابع روایی اهل سنت

خیانت عجیب عالم وهابی در بیان حدیث ثقلین!

ابتدا از شیعه بودند توبه کن بعد بیا مناظره کنیم!!

ارتباط معنا دار «حدیث ثقلین» با «حدیث امان»

«صحیح بخاری» و این همه کینه و عداوت با اهل بیت (علیهم السلام)؟!

در طول هفته، برای امام زمان خود چند ساعت کار می‌کنیم؟!

مجری:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

آنجا که اشک پای غمت پا گرفت و بعد

بغضی میان سینه جا گرفت و بعد

وقتی که ذوالجناح بدون تو بازگشت

این دخترت بهانه بابا گرفت و بعد

ابری سیاه بر سر راهم نشسته بود

ابری که روی صورت من را گرفت و بعد

انگار صدای مادری دلخسته می‌رسید

آری صدای گریه زهرا گرفت و بعد

بسم الله الرحمن الرحیم. عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». عرض تسلیت هم خدمت شما عرض کنم به مناسبت ایام سوگواری حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام).

این افتخار امشب نصیب بنده شده است که در برنامه «حبل المتین» در خدمت و در محضر حضرت استاد بزرگوار «آیت الله دکتر حسینی قزوینی» باشم. سلام علیکم و رحمة الله؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و یا تکرار برنامه را می بینند، خالصانه ترین سلامم را تقدیم می کنم و موفقیت همه گرامیان را از خداوند مَنان خواهانم.

از خداوند عالم می خواهم به آبروی حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنماید، حوائج شما و ما و دیگر مسلمین را برآورده نماید و بیماری و گرفتاری که دنیا گرفتار آن شده است را هرچه سریع تر ریشه کن فرماید.

مجری:

ان شاء الله به برکت نَفَس گرم شما این دعاها مستجاب باشد. حضرت استاد! الحمد لله این توفیق را داشتیم که در محضر شما در پای سخنرانی ها و روضه های ناب شما نشستیم.

قبل از آنکه وارد اصل جریان برنامه «حبل المتین» شویم، این سؤال برای افراد بسیاری به وجود آمده بود، این را مطرح کرده بودند و بالاخره در ذهنشان هرچند اشاره هایی شده است.

حال چه بهتر که بینندگان بازهم بتوانند برای سؤالشان جواب روشن هرچند مختصری هم پیدا کنند. آن سؤال راجع به ریشه ها و عوامل شکل گیری جریان عاشورا است.

چه عاملی دقیقاً باعث شد که امت پیغمبر اسلام بعد از گذشت تنها پنجاه سال، کمر بر قتل نوه آن حضرت ببندند و این حادثه دلخراش را به وجود بیاورند؟! ما در خدمت شما هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می گوئیم. سؤال حضرتعالی سؤال بسیار خوبی است.

ریشه ها و عوامل شکل گیری جریان عاشورا

شاید در ذهن بسیاری از عزیزان باشد که چه عواملی باعث شد و چه مسائلی اتفاق افتاد که بعد از پنجاه سال، مردم به این نتیجه رسیدند که فرزند پیغمبر اکرم را «تقرباً إلى الله» به قتل برسانند و اهل بیت حضرت را با آن وضع دلخراش اسیر کنند.

در این زمینه سخن بسیار زیاد است. ان شاءالله ما بتوانیم به این سؤال شما تا آخر ماه صفر پاسخ بدهیم تا مردم قدری روشن شوند.

مردم باید ببینند در تاریخ، در طول بیست و پنج سال دوران خلفای سه گانه، پنج سال دوران خلافت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و بیست سال پس از شهادت آن بزرگوار و زمان امامت امام حسن و امام حسین، در جامعه اسلامی چه جریاناتی اتفاق افتاد.

ما باید ببینیم چه مسائلی دست به دست هم داد و به عبارت بهتر، ریشه‌های شکل گیری حادثه عاشورا چه بود؟ اگر ما به تاریخ خوب نگاه کنیم، بسیار واضح و روشن است.

بنده طبق آنچه به ذهنم رسید، هفت مورد را یادداشت کردم تا اگر بتوانیم در طول این مدت مقداری در رابطه با این قضیه بحث کنیم و مستدل و مستند از کتب اهل سنت و کتب شیعه مطالبی را بیان کنیم.

ما در پاسخ به این مبحث نمی‌خواهیم تنها از کتب اهل سنت مطالبی را نقل کنیم تا آقایان ادعا نکنند که اگر کتاب‌های ما نبود شما چه حرف‌هایی برای گفتن داشتید!!

1- مخالفت جامعه اسلامی با قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)

نکته اول، طبق آنچه بنده به ذهنم می‌رسد، مخالفت جامعه اسلامی با قرآن و اهل بیت بود. رسول گرامی اسلام بارها و بارها فرموده بودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَهُمَا الْخَلِيفَتَانِ مِنْ بَعْدِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»

الأمالی (للسدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی - تهران، 1376ش؛ النص، ص: 415، ح

15

بنده به صراحت عرض می‌کنم که به نام قرآن با قرآن مخالفت کردند. حتی همان کسانی که گفتند:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 4، ص

1612، ح 4169

به کتاب الهی عمل نکردند و تاریخ گواه است. ما تلاش می‌کنیم که اگر از کتب اهل سنت مطلبی آوردیم، تصویر کتاب را هم نشان دهیم.

چند روز قبل یکی از آقایان مولوی‌ها ادعا می‌کرد که شما چرا روایات ما را تقطیع می‌کنید؟! من نمی‌دانم باید با چه زبانی با این بزرگواران حرف بزنیم.

به عنوان مثال بنده اگر روایتی را از کتاب «صحيح مسلم» می‌آورم، تمامی روایت را نشان می‌دهم. من اول روایت و آخر روایت را نشان می‌دهم و مردم همگی دیدند که قضیه چیست.

حال اگر صدر روایت مرتبط به بحث ما نبود و ما نگفتیم، صدر روایت هم به ضرر آنهاست و بسیار بدتر از ذیل روایت است. ما به دنبال این بودیم که بگوییم خلفا و امامانی که بعد از پیامبر آمدند، به تعبیر خود پیامبر؛

«قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي جُثْمَانِ إِنْسٍ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1476، ح 1847

ما به دنبال این تعبیر بودیم. اضافه بر این هم، اگر توضیحاتی دادیم، برای روشن شدن بینندگان بوده است.

این افراد به نام قرآن با قرآن کریم مخالفت کردند و ما دلیل‌های محکمی هم برای این حرف داریم. گرچه ما بارها گفتیم که قرآن کریم بدون سنت اصلاً معنا پیدا نمی‌کند. آقایانی که ادعا می‌کنند:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

که امروز هم افراد بی سواد و ناآگاه و فریب خورده که پول‌های عربستان سعودی آنها را مغرور کرده است، در جامعه ما پیدا می‌شوند که می‌گویند ما نیازی به سنت نداریم!!

ما بارها از این افراد خواستیم که دو رکعت نماز صبح را بدون سنت برای ما اثبات کنند. آن‌ها دو رکعت نماز صبح بخوانند و بگویند که در کجای قرآن کریم آمده است که نماز صبح دو رکعت است یا رکوع و سجده دارد.

من با یکی از این آقایان که واقعاً انسان بسیار منحرف و ضال است، بحث می‌کردم. او ادعا می‌کرد که این قضیه به صورت سینه به سینه و جد و اجدادی رسیده است!!

من گفتم: چطور وقتی روایت مسند در قرن دوم و سوم تدوین شده است، اعتباری ندارد و «ظنی الصدور» است، اما روایاتی که سینه به سینه رسیده است «قطعی الصدور» و بالاتر از سنت است؟! این افراد یک سری انسان‌های معاند هستند.

بنابراین اولین مسئله در علل و عوامل شکل‌گیری جریان عاشورا، دوری از قرآن کریم و کنار زدن اهلبیت (علیهم السلام) بود. این مسئله یکی از بزرگترین عوامل به وجود آمدن عاشورا بود.

یکی از اساسی‌ترین ریشه‌های عاشورا بحث مخالفت با قرآن و اهلبیت بوده است. اگر این دو سفارش گرانقدر پیغمبر اکرم کنار هم‌دیگر بودند، هرگز جامعه دچار گمراهی نمی‌شد و قضیه امام حسین و کربلا هم پیش نمی‌آمد.

2- مخالفت جامعه اسلامی با سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

دومین نکته، دور ساختن جامعه از سنت راستین پیامبر گرامی اسلام بود. دشمنان، سنت رسول الله را تزییع کردند. در «نماز» تصرف کردند، در «حج» تصرف کردند، در «روزه» تصرف کردند و تحریف کردند، در «زکات» تصرف کردند. شما هر موردی را بیان کنید، می‌بینید که این افراد آن را تحریف کردند.

آن‌ها مذهب‌هایی درست کردند، تنها به این نیت که در برابر امام صادق (سلام الله علیه) دکانی درست کنند!

«بنی امیه» و بعد از او «بنی عباس»، به دنبال این بودند که آنچه خودشان می‌خواهند در جامعه رواج پیدا کند. آنچه پایه‌های حکومتی آنها را تقویت می‌کند رواج پیدا کند؛ حال سنت پیغمبر اکرم باشد یا سنت شیطانی باشد، برایشان هیچ فرقی نمی‌کند.

کار به جایی رسید که وقتی امیرالمؤمنین در «جنگ جمل» نماز می‌خواند، مردم می‌گویند:

«صلى بنا على يوم الجمل صلاة ذكرنا صلاة رسول الله»

سنن ابن ماجه، اسم المؤلف: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، دار النشر: دار الفكر - بيروت --،

تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 296، ح 917

این روایت بدان معناست که در طول بیست و پنج سال بعد از رسول اکرم، حتی نماز خواندن هم دچار تحریف شده بود!

روایاتی در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» داریم که «ابو درداء» گریه می‌کند و می‌گوید: الآن می‌بینم مردم غیر از اینکه رو به قبله ایستادند، چیزی از آثار سنت پیغمبر اکرم نمانده است. ما در این خصوص مفصل بحث خواهیم کرد.

3- جعل احادیث دروغ به جای احادیث راستین پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سومین نکته جعل حدیث‌های دروغین به جای احادیث راستین رسول گرامی اسلام بوده است. این افراد تا توانستند کارخانه‌های حدیث سازی را رواج دادند.

به عنوان مثال «بخاری» متوفای 256 هجری می‌گوید: من روایات کتاب «صحیح» خود را از میان ششصد هزار روایت انتخاب کردم!!

مجموع روایات کتاب «صحیح بخاری» بعد از حذف مکررات، دو هزار و هفتصد و اندی روایت است. این بدان معناست که پانصد و نود و هفت هزار و اندی روایت را کنار زده و دو هزار و هفتصد و اندی روایت را انتخاب کرده است!! ببینید کار به کجا رسیده است!

«مسلم» بعد از «بخاری» آمده است و متوفای 261 هجری است. او با وجود اینکه بعد از «بخاری» است، می‌گوید: من کتاب خود را از میان سیصد هزار روایت انتخاب کردم.

«احمد بن حنبل» مفصل‌ترین کتاب را نوشته و کتاب او نزدیک به سی هزار روایت دارد. او می‌گوید: من روایات کتاب خود را از میان هفتصد و پنجاه هزار روایت انتخاب کردم!!

ببینید جعل حدیث چکار کرده است!! ما از همه عزیزان شیعه و اهل سنت تقاضا داریم روی این قضایا خوب کار کنند.

4- جایگزین کردن صحابه به جای اهل بیت (علیهم السلام)

چهارمین نکته، جایگزین کردن صحابه به جای اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. رسول گرامی اسلام فرمود: **«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»**. آن حضرت فرمودند: «کتاب الله و اصحابی»!! حال روایات جعلی آورده اند که:

«أصحابی كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم»

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421 هـ - 2000 م، الطبعة: الأولى، ج 2، ص 5، باب البقرة: (1) الم

آقایان خود ادعا می‌کنند که این روایت جعلی است و روایت صحیحی نیست. اگر این روایت صحیح هم باشد، با واقعیت تاریخی سازگار نیست. مشکلات زیادی مانند درگیری و جنگ و دعوا و اختلاف میان صحابه بود که صحت این روایت امکان پذیر نیست.

5- ترویج سب و لعن نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)

پنجمین نکته که یکی از زمینه سازان شهادت حضرت سیدالشهدا بود، سب و لعن نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) بود.

آن‌ها در جامعه کاری کردند که تنفر از اهل بیت را به حد اعلا برسانند. آنها حتی سب و لعن امیرالمؤمنین را به عنوان یک سنت قلمداد کردند!!

وقتی «عمر بن عبدالعزیز» می‌خواست سب و لعن امیرالمؤمنین را بردارد، مردم از گوشه و کنار مجلس ضجه می‌زدند و اعتراض می‌کردند که تو سنت پیغمبر اکرم را ترک کردی!! آنها سب و لعن امیرالمؤمنین را فریضه می‌دانستند!!

تعبیر «علامه امینی» در این خصوص که در یکی از نوارهایشان که چند روز قبل در فضای مجازی منتشر شد، این بود که می‌گفت: مردم در قنوت نمازهایشان می‌گفتند: «اللهم ان علیا بن ابي طالب قد اُحد فی دینک اللهم فالعنه!»

این مسائل بود که دشمنان در کربلا نسبت به سیدالشهدا (سلام الله علیه) می‌گفتند:

«إنا نقتلک بغضا لابیک»

ینابیع المودة لذوی القربی، المؤلف: الشیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی (1220 - 1294 هـ)،

تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، الناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر، ج 3، ص 80

6- قتل و نابودی شیعیان و مدافعین ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

ششمین نکته که یکی از زمینه سازان و ریشه‌های عاشورا بود، قتل و نابودی شیعیان و مدافعین ولایت بود. هرکسی چه شیعه و چه سنی از ولایت دم می‌زد، او را به قتل می‌رساندند.

ما برای این موضوع هم، مفصل بحث داریم. یکی از بحث‌هایی که من، ان شاءالله قول می‌دهم به حول قوه الهی با عنایت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مفصل بیان کنیم همین موضوع است.

ما باید تلاش کنیم خوب کار کنیم و تاریخ را خوب ورق بزنیم تا مردم بدانند که این مذهب به این سادگی به دست ما نرسیده است. اگر ما امروز آزادانه «یا علی»، «یا حسین» و «یا زهرا» می‌گوییم، این مذهب از لابلای خون و زجر و شکنجه بیرون آمده است.

زبان امثال «رشید حجری» ها را قطع کردند. «میثم تمار» بالای دار بود که دست و پای او را قطع کردند.

اگر شاه‌رگ کسی را قطع کنند، چه حالی برای آن شخص اتفاق می‌افتد؟! دست و پای «میثم تمار» را قطع کردند و او را بالای دار بردند، اما او در همان جا می‌گفت: ای مردم! بیایید در چند لحظه‌ای که از عمرم مانده است، مطالبی که از امیرالمؤمنین شنیده‌ام را برای شما بگویم.

حکومتیان به «عبیدالله بن زیاد» گفتند: اگر «میثم» سخنرانی کند، مردم کوفه را علیه تو می‌شوراند. او به جلاّد دستور داد که زبان او را هم قطع کند.

این مذهب، این چنین به دست ما رسیده است. «حجر بن عدی»ها را مظلومانه در بیابان گردن زدند. در زندان‌ها بدترین شکنجه‌ها را برای دوستداران و شیعیان امیرالمؤمنین انجام دادند.

یکی از مسائلی که احساس می‌کنم برای شیعیان ما خوب بیان نشده است و منبری‌های ما در این زمینه خوب کار نکردند، ظلم‌هایی است که به مدافعین ولایت در طول تاریخ شده است.

بنده از عزیزان و دوستان منبری تقاضا دارم ظلم‌هایی که به مدافعین ولایت در طول تاریخ شده را برای مردم بازگو کنند تا مردم قدر این مذهب و این اعتقادات را بیشتر بدانند.

7- جایگزین شدن «فسق» به جای «تقوا»

هفتمین نکته ای که من یادداشت کردم تا روی آن بحث کنم، جایگزین شدن «فسق» به جای تقواست. جامعه به جای اینکه مروج «تقوا» باشد، مروج «فسق» شده بود.

«فساق» به جای «متقین» نشستند، «ظلم» به جای «عدل» نشست، «امر به منکر» و «نهی از معروف» در جامعه رواج پیدا کرد. این مورد هم برای خود دنیایی دارد. به قدری ما در تاریخ برای این مورد نمونه داریم الی ماشاءالله.

بنده در شب‌های گذشته عرض کردم که «شمر بن ذی الجوشن» در کنار خانه کعبه عرضه می‌دارد:

«اللهم إنک تعلم أنى شریف فاغفر لی»

خدایا می‌دانی که من انسان شریفی هستم، مرا مورد بخشش قرار بده.

راوی می‌گوید که من به او گفتم: تو خجالت نمی‌کشی؟! در حالی که فرزند پیغمبر اکرم را به شهادت رساندی، می‌گویی که شریف هستی!! گفت:

«فکیف ن صنع إن أمراءنا هؤلاء أمرونا بأمر فلم نخالفهم»

چه باید می‌کردیم؟ حکام به ما دستوری دادند و ما مخالفت نورزیدیم.

«ولو خالفناهم لکنا شرا من هذه الحمر السقاة»

اگر با آنها مخالفت می‌کردیم، از الاغ‌های آبکش بدتر بودیم.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار
الکتب العلمیة - بیروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل
أحمد عبدال موجود، ج 3، ص 385، ش 3747

او به صراحت می گوید که اگر امام حسین را نکشته بودم، لعین و پست بودم! من دستور امرا و حاکمان
اسلامی را عمل کردم. یعنی کار به اینجا می رسد!

اگر شما کتاب های رجالی اهل سنت را مطالعه کنید، می بینید که «عمر بن سعد» را ثقه می خوانند. گمان
می کنم «ذهبی» در کتاب خود نوشته بود که چطور ممکن است قاتل امام حسین ثقه باشد!!

افرادی بودند که شبانه روز امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را لعن می کردند، اما در مورد آنها آمده است: «ثقة»
ثقة». ما از این موارد در کتب «صحيح بخاری»، «صحيح مسلم» و دیگر کتب صحاح سته فراوان داریم و آن
کتابها مملو از روای نواصب است.

این قضایا باید روشن شود. بنده از تمامی عزیزان اهل سنت تقاضا می کنم و شما را به خداوند متعال و رسول
الله سوگند می دهم به حرف های ما با دید تعصب نگاه نکنید.

اهل سنت امام حسین را دوست دارند. بنده شما را به امام حسین سوگند می دهم به این حرف ها با دید
تعصب نگاه نکنید. «لا تنظروا الی من قال، أنظروا الی ما قال»

این مطالبی است که ما مطرح می کنیم. مرد و مردانه به میدان بیایید و ببینید این مطالب واقعاً درست است
یا درست نیست. همچنین اگر نقدی هم دارید مطرح کنید.

بنده با یکی از مولوی هایی که در اینستاگرام به بنده اشکالی گرفته بود، چندین ساعت بحث کردم و به او
جواب دادم. ما جوابیه خود را در بیست و هشت قسمت برای ایشان ارسال کردیم.

ما برای منتقدین خودمان ارزش قائل هستیم و احترام می‌گذاریم. هرچند او در نهایت بسیار بی ادبانه حرف زده بود، اما من برای یک انتقاد دو سطری او، نزدیک به دوازده صفحه پاسخ دادم.

بنده جوابیه را در اختیار دوستان گذاشتم و آنها جوابیه را در بیست و سه قسمت برای او فرستادند.

ما برای منتقدین خود احترام و ارزش زیادی قائل هستیم. اگر ما احساس کنیم عالمی به دنبال انتقاد است، ما از انتقاد استقبال می‌کنیم. همچنین به کسانی که توهین و ناسزا می‌گویند هم می‌نویسیم:

(وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند به آنها سلام می‌گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

سوره فرقان (25): آیه 63

یا:

(وَ إِذَا مَرُّوا بِاللُّغُورِ مَرُّوا كِرَامًا)

و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

سوره فرقان (25): آیه 72

این‌ها همگی بحث‌هایی است که ما واقعاً نمی‌توانیم از کنار آن به سادگی عبور کنیم. شعری از جناب آقای «یونسیان» است که شعر بسیار زیبایی است. ایشان می‌نویسد:

تازبانه خصم اگر بر دخت پیغمبر نمی‌زد

کعب نی هرگز کسی بر زینب اطهر نمی‌زد

گر نمی‌شد حق حیدر غصب تا روز قیامت
پشت پا کس بر حقوق آل پیغمبر نمی‌زد
دشمن بی رحم اگر بر بیت وحی آتش نمی‌زد
عصر عاشورا کسی بر خیمه‌ها آذر نمی‌زد
محسن شش ماه اگر مقتول پشت در نمی‌شد
حرمله تیری به حلقوم علی اصغر نمی‌زد
فاطمه گر کشته راه امام خود نمی‌شد
زینب غم دیده هم بر چوب مهمل سر نمی‌زد
فرق مولا گر نمی‌شد منشق از تیغ مخالف
تیغ هرگز خصم بر فرق علی اکبر نمی‌زد
خار اگر بر دیده مولا علی از کین نمی‌رفت
تیر کس بر دیده عباس نام آور نمی‌زد
دختر غم دیده ویران نشین سیلی نمی‌خورد
خصم اگر در کوچه سیلی بر رخ مادر نمی‌زد

من در خدمت حضرتعالی هستم. اگر سؤال دیگری هست بفرمایید.

مجری:

متشکرم، بسیار استفاده کردیم. اگر موافق باشید یک میان برنامه بینیم و ان شاءالله برگردیم در خدمت شما خواهیم بود.

عطری که از حوالی پرچم وزیده است

ما را به سمت مجلس آقا کشیده است

از صحن هر حسینیه تا صحن کربلا

صد کوچه باز کنید، محرم رسیده است

حضرت استاد از محضرتان بسیار استفاده کردیم. بنده تک تک مواردی را که می فرمودید را نوشتم.

نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت بود و در چهار مورد از این موارد به صورت مستقیماً به آن اشاره فرمودید، این بود که آنها «حدیث ثقلین» را ترک کردند و نتوانستند به آن حدیث گهربار جامه عمل بپوشانند.

«حدیث ثقلین» در منابع روایی اهل سنت

اگر بخواهیم در بطن موضوع برنامه «حبل المتین» هم وارد شویم و از همین جا گریزی بزنیم، دیدیم که ترک چنین حدیثی چه پیامدی را در پی داشته است.

با توجه به رویه برنامه، از شما درخواست می‌کنیم به این سؤال پاسخ بفرمایید که آیا حدیث ثقلین در منابع اهل سنت احراز شده است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده نمی‌دانم که الآن می‌توانم به «حدیث ثقلین» ورود کامل داشته باشم یا خیر، اما می‌توان در خصوص «حدیث ثقلین»، ده الی دوازده جلسه صحبت کرد. می‌توان در مورد حدیث ثقلین از چند محور صحبت کرد.

«حدیث ثقلین در منابع اهل سنت»، «حدیث ثقلین در منابع شیعه»، «برداشت اهل سنت از حدیث ثقلین»، «برداشت علمای شیعه از حدیث ثقلین» و «اشکالاتی که بعضی افراد به حدیث ثقلین دارند».

بنده در ذهن دارم که آقایان، حدود پانزده شبهه آورده‌اند که باید به آنها پاسخ داده شود. وقتی ما مطلبی را مطرح می‌کنیم، بدون پاسخ به شبهات هیچ ارزشی ندارد.

همچنین باید در خصوص تحلیل‌هایی که روی «حدیث ثقلین» آمده است، صحبت کنیم. باید ببینیم علمای شیعه و علمای اهل سنت چه تحلیل و برداشتی از حدیث ثقلین دارند. بعضی از علمای اهل سنت حرف‌هایی دارند که به نظر بنده باید با طلا نوشته شود!

این هم یکی از معجزات اهل بیت است که از زبان مخالفین، مطالبی مطرح شود که هم حجت برای خود او تمام شود و هم حجت برای دیگران تمام شود. حال آقایان نگویند که چرا آقایان گفتند، اما خودشان عمل نکردند.

هدایت دست خداوند است. «حدیث ثقلین» از خود پیغمبر اکرم بالاتر نیست. پیغمبر اکرم بارها و بارها فرمودند، اما تعدادی از «ابوجهل»ها و «ابولهب»ها و «عبدالله بن ابی»ها به هیچ وجه نتیجه نگرفتند. قرآن کریم نسبت به رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

(إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ)

تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند.

سوره قصص (28): آیه 56

شاید یک نفر عالم به همه علوم باشد، اما اگر درهای هدایت به روی او باز نشود، بهره‌ای از هدایت نمی‌تواند ببرد.

(وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا)

با اینحال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند!

سوره کهف (18): آیه 104

این افراد یک سری عقایدی در ذهنشان درست کردند، به طوری که وقتی می‌بینند این آیه یا روایت با آن افکارشان در تضاد است، شروع به توجیه کردن می‌کنند.

من کم دیدم عالمی همانند «فخر رازی» باشد. بعضی افراد همانند «آیت الله حسن زاده آملی» هستند که خداوند ایشان را حفظ کند. ما اشارات «بوعلی» را خدمت ایشان خواندیم و تتلمذ کردیم.

ایشان می‌گویند که من یقین دارم «فخر رازی» شیعه بوده است، اما ما یقین داریم که او سنی بوده است و روی این حرفمان هم، قسم یاد می‌کنیم!

ایشان دفاعی از اهل سنت و شیخین کرده است که من گمان نمی‌کنم حتی «ابن تیمیه»، یک هزارم «فخر رازی» از شیخین دفاع کرده باشد.

«ابن تیمیه» تنها فحاشی کرده است! اگر شما فحاشی‌های او را از کتاب «منهاج السنة النبویة» بردارید، تنها چندین آیه و روایتی که نقل کرده است باقی می‌ماند به طوری که نه جلد او در یک جلد خلاصه می‌شود؛ ولی «فخر رازی» مردی مُلاست. او وقتی آیه:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.

سوره نساء (4): آیه 59

را مطرح می‌کند، می‌گوید که ما شکی نداریم این آیه دلالت می‌کند که (أُولِي الْأَمْرِ) باید معصوم باشد؛ ولی ما چکار کنیم که «ابوبکر» و «عمر» معصوم نبودند، به همین خاطر ما باید دست از دلالت آیه برداریم. این نوع حرف زدن خیلی درد است!

همچنین در مسئله وضو، در قسمت «مسح» که آیا ما باید در وضو، مسح بکشیم یا پاهایمان را بشوییم، می‌خوانیم که یکی از بزرگان‌شان می‌نویسد:

"قرآن بر مسح دلالت می‌کند. سنت بر مسح دلالت می‌کند. صحابه مسح می‌کشیدند، اما بزرگان ما بر غسل و شستن اصرار دارند و ما هم ناگزیریم از قرآن و سنت دست برداریم!!"

ما نمی‌دانیم با این طرز تفکر چکار باید کرد؟! این خیلی درد است! آیا این افراد فردای قیامت هم پاسخی دارند یا ندارند؟! این قضایا خیلی مهم است.

در رابطه با «حدیث ثقلین» باید بگوییم که اولاً حدیث ثقلین در صحاح اهل سنت آمده است. در کتاب «صحیح مسلم» حدیث 2408 از قول «زید بن أرقم» روایتی وارد شده است که می‌خواهد «حدیث غدیر» را مطرح کند، اما نه اشاره به «غدیر» دارد و نه اشاره به نصب امیرالمؤمنین دارد.

او حتی عبارت «من كنت مولاة فعلى مولاة» را هم نمی‌آورد. البته «زید بن أرقم» آورده است، اما «مسلم» کم لطفی کرده و حذف فرمودند!!

ما شاید بیش از چهل مصدر داریم که از قول «زید بن أرقم» حدیث غدیر با عبارتهای مختلف نقل شده است.
«مسلم» می‌نویسد که پیغمبر اکرم فرمود:

«وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَعَّبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1873، ح 2408

حضرت فرمودند که من در میان شما دو چیز گرانبه می‌گذارم: اول کتاب خدا و دوم اهلیت من است. حضرت سه مرتبه هم به اهلیت توصیه کردند. «أَدَّكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي» نشانگر این است که قرآن بدون اهلیت معنا پیدا نمی‌کند و مفسر و مبین قرآن کریم اهلیت است.

مشاهده کنید همین روایت:

« أَنْ النَّبِيِّ قَالَ لِعَلِيٍّ أَنْتَ تَبِيْنٌ لِأُمَّتِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ بَعْدِي »

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا؛ ج 3، ص 132، ح 4620

را آقایان با سندهای متعدد نقل کردند. همانطور که رسول گرامی اسلام مبین قرآن کریم بود و قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)

و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها تبیین کنی.

سوره نحل (16): آیه 44

«علی بن ابی طالب» هم، بعد از پیغمبر اکرم، مبین قرآن کریم است. بنابراین حضرت سه مرتبه تذکر می‌دهد و می‌فرماید: شما را به خدا مراقب اهل بیت من باشید؛ اهل بیت من، اهل بیت من، اهل بیت من.

این قضیه نشانگر این است که جایگاه اهل بیت به قدری بالا هست که رسول گرامی اسلام سه مرتبه در خصوص اهل بیت سفارش می‌کند. حضرت می‌داند که امت می‌خواهند با اهل بیت چکار کنند. جالب اینجاست که در ادامه روایت «مسلم» آمده است:

«یا زَیْدُ أَلَيْسَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ»

یا زید! آیا زنان پیغمبر اکرم جزء اهل بیت نیستند؟

«قال نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ»

او با تعجب گفت: مگر می‌شود زن هم جزء اهل بیت باشد.

«وَلَكِنْ أَهْلُ بَيْتِهِ مِنْ حُرْمِ الصَّدَقَةِ بَعْدَهُ قَالَ وَمَنْ هُمْ قَالَ هُمْ آلُ عَلِيٍّ وَآلُ عَقِيلٍ وَآلُ جَعْفَرٍ وَآلُ عَبَّاسٍ

قال كل هؤلاء حرم الصدقة قال نعم»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1873، ح 2408

او در ادامه در خصوص اینکه اهل بیت چه کسانی هستند، مطالبی می‌آورد و در ادامه می‌نویسد:

«فَقُلْنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ نِسَاؤُهُ»

راوی پرسید: اهلبيت چه کسانی هستند: آیا زنان هم جزو اهلبيت هستند؟

«قال لا وأيم الله إنَّ المَرأةَ تكونُ مع الرَّجُلِ العَصْرَ من الدَّهرِ»

زيد بن أرقم گفت: خير، مردی عمری با یک زن زندگی می‌کند و بعد از طلاق دادن او به اهل و قومش برمی‌گردد.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1874، ح 2408

این روایات نشانگر این است که زنان پیغمبر اکرم جزو اهلبيت نبودند. حال آقایان می‌خواهند به زور زنان پیغمبر اکرم را در زمره اهلبيت داخل کنند!!

ما خیلی زیاد به دنبال آن قضیه نیستیم، اما این قضیه خود واضح و روشن است. «أم سلمه» می‌گوید که من می‌خواستم این عبا را بردارم و وارد کساء شوم، اما حضرت عبا را از دست من گرفت.

حال آقایان اهل سنت می‌خواهند به زور عبا را از دست پیغمبر اکرم بگیرند و «أم سلمه» و دیگر زنان پیغمبر اکرم را در زیر عبا داخل کنند!!

خیانت عجیب عالم وهابی در بیان حدیث ثقلین!

جالب اینجاست که یکی از وهابی‌های معاصر ما به نام «عبدالله بن محمد غنيمان» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت و جزء کبار علمای عربستان سعودی هست، کتابی به نام «الجلسات الطلابية لشرح العقيدة الواسطية» دارد. ایشان در این کتاب می‌نویسد:

«جاء في صحيح مسلم من حديث زيد بن الأرقم»

او سپس می‌نویسد:

«إني تارك فيكم ثقلين كتاب الله و سنتي»

الجلسات الطلابية لشرح العقيدة الواسطية، عبدالله بن محمد الغنيمان، المملكة العربية السعودية، طبع

دار ابن الجوزي، چاپ اول، 1433ق، ص453

مردم شما قضاوت کنید. ما هیچ چیزی نمی‌گوییم!! اگر کسی «**کتاب الله و سنتی**» را از کتاب «**صحيح مسلم**» پیدا کند و به ما بدهد، البته ما مثل وهابی‌ها چندین میلیارد نداریم، اما جایزه‌ای در حد توان خودمان پرداخت می‌کنیم.

یکی از دوستان ما از اهواز تحدی می‌کرد و می‌گفت که اگر علمای اهل سنت جواب بیاورند، من پنجاه میلیون تومان به او می‌دهم.

ببینید اگر کسی از کتاب «**صحيح مسلم**» برای ما بیاورد که پیغمبر اکرم فرمود: «**انی تارك فيكم ثقلين كتاب الله و سنتي**»، ما از عزیزمان می‌خواهیم که پنجاه میلیون تومان به او بدهد. تحدی از این بالاتر؟! شما در روز روشن بگویید آفتابی نیست. خود او هم می‌گوید:

«**جاء في صحيح مسلم**»

اگر او نام کتاب «**صحيح مسلم**» را نمی‌آورد باز هم می‌شد به نوعی آن را توجیه کرد. ما در خصوص «**كتاب الله و سنتي**» هم مفصل بحث می‌کنیم. این حدیث جعلی و دروغی است که به پیغمبر اکرم بستند.

برفرض هم «**كتاب الله و سنتي**» باشد، مگر علی بن ابی طالب به غیر از سنت پیغمبر اکرم عمل می‌کرد؟! مگر ائمه اطهار به غیر از سنت رسول الله را ترویج می‌کردند؟!

بنده دومرتبه این کتاب را به دوستان نشان بدهم. کتابی که ملاحظه کردید، کتاب «**صحيح مسلم**» بود که در آن آمده بود:

«وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ تَقْلِينَ أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَعَّبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»

این شخص که از معاصرین هم هست، می‌نویسد که در کتاب «صحیح مسلم» آمده است:

«جاء في صحيح مسلم من حديث زيد بن الأرقم»

او سپس می‌نویسد:

«إني تارك فيكم ثقلين كتاب الله و سنتي»

آیا دیگر می‌توان به این شخص اعتماد کرد؟! چنین شخصی اگر آیه‌ای از قرآن کریم هم بخواند، ما شک می‌کنیم که آیا او آیه قرآن را درست می‌خواند یا خیر!! ما باید به قرآن کریم مراجعه کنیم و ببینیم این آیه در قرآن هست یا خیر.

جالب اینجاست که محقق این کتاب، در پاورقی آدرس هم داده است:

«مسلم، کتاب فضائل الصحابة باب من فضائل علي بن أبي طالب، الدارمی فی کتاب فضائل القرآن، باب فضل من قرأ القرآن»

الجلسات الطلابية لشرح العقيدة الواسطية، عبدالله بن محمد الغنيمان، المملكة العربية السعودية، طبع

دار ابن الجوزي، چاپ اول، 1433ق، ص 453

مشاهده کنید چه مسخره بازی‌هایی به راه انداخته‌اند. اگر ما بخواهیم یزیدهای زمان یا عبیدالله‌های زمان یا شمرهای زمان خود را بشناسیم، همین افراد هستند!

مجری:

ما باید به این مولوی بگوییم به اینجا بیاید و چنین تحریف و تقطیعی را ببیند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

او مولوی نیست، بلکه یکی از مفتیان طراز اول عربستان سعودی است. عرض کردم عضو هیئتی همانند شورای انقلاب فرهنگی که ما داریم و مقام معظم رهبری اعضای آن را معین می‌کند، می‌باشد.

کبار علمای عربستان سعودی را هم شخص پادشاه معین می‌کند. در حقیقت تمامی کارهای فرهنگی که در عربستان سعودی انجام می‌شود، از کانال این آقایان گذر می‌کند.

این شخص ادعا می‌کند که در کتاب «صحیح مسلم» عبارت «**کتاب الله و سنتی**» آمده است!! وجدان کجا رفته است؟!

اگر اهل و عیال شما این عبارت را بخواند و به کتاب «صحیح مسلم» مراجعه کند و ببیند دروغ است و از شما سؤال کند، شما چه جوابی می‌دهید؟! بنده اصلاً کاری با مردم یا شیعه و اهل سنت ندارم. آیا واقعاً می‌توانی جوابی بدهی؟!

ابتدا از شیعه بودن توبه کن بعد بیا مناظره کنیم!!

بنده با یکی از همین افراد، کنار بیت الله الحرام بحثمان شد. او گفت: شما شیعه هستید یا خیر؟! بنده گفتم: بله من مسلمان و شیعه هستم. او گفت: هرگاه رفتی و از شیعه بودن توبه کردی، من حاضرم با تو مناظره کنم!!

من گفتم: شما برای من ثابت کن که مذهب شیعه باطل است، من همین جا توبه می‌کنم. او با عصبانیت بلند شد، چندین فحش نثار بنده کرد، عبايش را جمع کرد و جلسه را ترک کرد.

چند تن از دانشجویان که از شاگردان او بودند، از این کار او اصلاً مات و مبهوت ماندند. من گفتم: آقای «غنیمان»! بر فرض من مشرک باشم، قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد).

سوره توبه (9): آیه 6

بیا برای من ثابت کن که من مشرک هستم؛ من از شیعه بودن خود جلوی همه دانشجویان توبه می‌کنم.

اینکه ادعا می‌کنید شیعه و مشرک هستید، ابتدا توبه کنید سپس باهم حرف بزنیم، آیا این روش پیغمبر اکرم بود؟! آیا رسول گرامی اسلام هم این چنین تبلیغ می‌کردند؟! آیا صحابه پیغمبر اکرم هم این چنین تبلیغ می‌کردند؟!

من نمی‌فهمم این افراد به دنبال چه هستند. این افراد صاحب مقام و ثروت و پول‌های کلانی هستند که عربستان سعودی به این افراد می‌دهد.

بنده به یاد دارم در زمانی که ما به عربستان سعودی ممنوع‌الورود نبودیم و به آنجا می‌رفتیم، یک سال یکی از دوستان نقل می‌کرد این افراد در مکه لجنه علمی درست کردند در ساختمانی چندین طبقه و در آنجا جواب کتاب «الغدیر» را می‌نویسند.

دولت عربستان سعودی تعدادی از محققین طراز اول را جمع کرده است و به آنها خانه سازمانی، ماشین، راننده، خادم، خادمه داده است و از اینها قول گرفته است که نه حق دارند تدریس کنند و نه حق دارند به مسافرت بروند.

دولت در آخر ماه، چک سفید امضاء به این افراد می‌دهد و به آن‌ها می‌گوید هرچقدر لازم دارید در این چک بنویسید و دریافت کنید. گفتنی است تا الآن یک سطر هم از این جوابیه بیرون نیامده و قطعاً هم بیرون نخواهد آمد.

«علامه امینی» کاری نکرده است که چند نوچه وهابی بتواند برای آن جواب بنویسند. ما که جزء شاگردان کوچک این آقایان هستیم، در این مدت در بحث‌ها و مناظرات سربلند بودیم.

ما در «شبکه المستقله» با سه تن از وهابی‌ها از جمله «دکتر ابوشوارب» از دانشگاه اسکندریه مصر، آقای «حسینی» یکی از وهابی‌های تند بحرین و «دکتر هاشمی» سه شب بحث کردیم. شب سوم «دکتر ابوشوارب» از بنده تشکر کرد و گفت:

"شما در این سه شب بسیار مؤدب حرف زدید و کوچکترین توهینی به مقدسات اهل سنت نکردید. شما حضور ذهن خوبی دارید و هرچه گفتیم از کتاب‌های ما استدلال کردید. شما در علم رجال هم تسلط دارید و هر روایتی که ما گفتیم و خودتان گفتید بلافاصله بحث‌های رجالی هم مطرح کردید."

آن‌ها ده دقیقه به بنده فرصت می‌دادند و خودشان دو ساعت حرف می‌زدند. جالب اینجاست که وهابی‌ها تکه‌ای از شب اول، تکه‌ای از شب دوم و تکه‌ای از شب سوم را کنار هم گذاشتند و ادعا کردند که آقای قزوینی نتوانست پاسخ بدهد.

خیلی عجیب بود که در یک جلسه یک مرتبه آقای «هاشمی» مجری بود و کت و شلوار آبی به تن داشت. بعد از چند دقیقه کت و شلوار او قرمز و بعد سبز می‌شد!!

این افراد به قدری آبروریزی بار آوردند که دوتن از عزیزان ما آقای «حسینی» و آقای «شریفی» چندین ویژه برنامه در رابطه با تحریفاتی که این افراد در مناظرات ما داشتند، تدارک دیدند و پخش کردند.

این افراد تا این اندازه بدبخت و بیچاره هستند. مشاهده کنید آقای «غنیمان» حدیثی از کتاب «صحیح مسلم» را نقل می‌کند به طوری که «أهل بیتی» را حذف می‌کند و به جای آن «سنتی» را جایگزین می‌کند!!
بنده شما را به هرکسی دوست داریم سوگند می‌دهم که مشاهده کنید در کتاب «صحیح مسلم» از ابتدا تا انتهای روایت، عبارت «سنتی» آمده است یا خیر؟!

مجری:

اصلاً اگر کسی نخواهد به سراغ مباحث علمی و محتوایی هم برود، از همین روش این افراد در تحریف کردن و تقطیع کردن، باید به بطلان آنها پی ببرد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

کاملاً به همین صورت است. مذهبی که بر روی تحریف و دروغ استوار باشد، نتیجه آن مشخص است. دیگر حرف‌های این شخص هم همینطور است. او وقتی موردی را به این شکل نقل می‌کند، حرف‌های دیگر او هم، هیچ قیمت و ارزشی پیدا نمی‌کند.

اهل سنت همگی این کتاب «صحیح مسلم» را دارند. بنده گمان نمی‌کنم هیچ خانه‌ای از علمای اهل سنت و علمای شیعه باشد که کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» در آنجا نباشد.

حال و روز این کتاب که به این صورت است، از دیگر کتاب‌هایی که در دسترس مردم نیست، هیچ انتظاری نباید داشت.

همچنین «حاکم نیشابوری» در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» جلد سوم صفحه 160 همین روایت را از قول «زید بن أرقم» می‌آورد و می‌نویسد:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَأَهْلَ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»

مشاهده کنید که آقای «مسلم» این قسمت را هم نیاورده است. ایشان در ادامه، در مورد سند روایت می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح الإسناد على شرط الشيخين ولم يخرجاه»

این حدیث صحیح السند است و شرایط بخاری و مسلم را هم دارد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 160، ح 4711

این هم کاری است که آقای «مسلم» کرده است. اگر کسی کمی تفکر داشته باشد، قسم به والله العلی الاعلی و قسم به قرآن مُنزل، این مسائل را درک می‌کند.

بنده به عنوان یک شیعه این مطالب را نمی‌گویم. تسلط بنده به کتاب‌های اهل سنت بیش از شیعه است.

بعضی از دوستان از من گلایه می‌کنند که شما از کتاب‌های شیعه خیلی کم روایت مطرح می‌کنید. ما قول دادیم که ان شاءالله در این دوره از کتاب‌های شیعه هم مطالبی را مطرح کنیم.

در گذشته گاهی اوقات ائمه جمعه اهل سنت به بنده زنگ می‌زدند و می‌گفتند که ما می‌خواهیم فردا در خطبه نماز جمعه در خصوص این موضوع صحبت کنیم. این مطالب در کدام یک از کتاب‌های ماست؟! شما به کتاب‌های ما بیش از ما مسلط هستید!!

ارتباط معنا دار «حدیث ثقلین» با «حدیث امان»

یک وقتی دو تن از اساتید حوزه علمیه شمال به منزل ما آمده بودند. بنده در کتابخانه شخصی خود، حدود سی و شش هزار جلد کتاب دارم که حدود ده الی دوازده هزار جلد از این کتب، از کتاب‌های اهل سنت است.

این دو عزیز وقتی به این کتاب‌ها نگاه می‌کردند، می‌گفتند: در کتابخانه‌های عمومی ما اینقدر کتاب اهل سنت نیست که در کتابخانه شخصی شما موجود است!! غرض این است که بنده نود درصد عمرم را در بحث ولایت و اینگونه مباحث گذراندم.

«ابن حجر هیثمی» در کتاب «الصواعق المحرقة» تعبیری دارد و می‌نویسد:

« أول النَّاسِ هَلَاكًا قُرَيْشٌ وَأَوَّلُ قُرَيْشٍ هَلَاكًا أَهْلَ بَيْتِي »

سپس می‌نویسد:

« وَفِي رِوَايَةٍ قِيلَ لَهُ فَمَا بَقَاءَ النَّاسِ بَعْدَهُمْ »

بعد از اینکه اهلیت را کنار گذاشتند، جامعه چطور خواهد شد؟

« قَالَ بَقَاءَ الْحِمَارِ إِذَا كَسَرَ صَلْبَهُ »

حضرت فرمود: همانند الاغی که کمرش شکسته باشد.

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيثمی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 685، باب مكافأته لمن أحسن إليهم

طبق این روایت جامعه بدون اهلیت همانند الاغ کمر شکسته است، به طوری که نه توان بار بردن دارد و نه توان راه رفتن دارد.

«حاکم نیشابوری» تعبیر دیگری دارد که بسیار زیباست. در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» روایتی از قول «ابن عباس» نقش شده است که می‌نویسد:

«النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق وأهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف»

رسول گرامی اسلام می‌فرماید: اهل بیت من مایه امان و امت من هستند از اختلاف.

«فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس»

وقتی جامعه‌ای با اهل بیت من مخالفت کنند، آن جامعه شیطانی است.

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج

3، ص 162، ح 4715

آقای «صنعانی» در کتاب «أصول الفقه» وقتی به این روایت می‌رسد، می‌نویسد:

«من أنصف علم أن هذا الدليل أقوى من أدلة الإجماع الأمة بمراتب»

هرکسی کمی انصاف داشته باشد، می‌بیند که این روایت از نظر دلیل از اجماع امت به مراتب قوی‌تر است.

لذا ما قضیه تواتر «حدیث ثقلین» را قطعی می‌دانیم. شاید بتوان گفت بیش از دویست مصدر از مصادر اهل سنت و علمای بزرگ اهل سنت، «حدیث ثقلین» را با عبارتهای مختلف در کتاب‌هایشان نقل کردند.

مجری:

بسیار استفاده کردیم و بهره بردیم. قبل از اینکه سراغ سؤال بعدی بروم که کاملاً با این مبحث مرتبط است، اگر اجازه بفرمایید یک میان برنامه ببینیم و برمی‌گردیم در خدمت شما خواهیم بود.

پرسید از قبیله که این سرزمین کجاست

این سرزمین غمزده در چشمم آشناست

این سرزمین که بوی نی و نیزه می‌دهد

این سرزمین که تشنه و آبستن بلاست

گفتند طف، ماریه، شاطی الفرات

گفتند غاضریه و گفتند نینواست

دستی کشید بر سر و بر یال ذوالجناح

آهسته زیر لب به خودش گفت کربلاست

خیلی استفاده کردیم از محضرتان. تماس‌هایی است که الآن امکان برقراری آن وجود دارد و عزیزان پشت خط هستند. این طرف هم سؤالات بسیار متعددی هست. هرطور که صلاح بدانید بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ابتدا به تماس‌ها پاسخ بدهیم و بعد اگر فرصت داشتیم به سراغ پاسخ به سؤالات می‌رویم.

تماس بینندگان برنامه:

آقای بهادری از کرج در خدمت شما هستیم.

بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله. خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی. تشکر می‌کنم به خاطر راه اندازی این شبکه. ان شاءالله حضرت ولی عصر خود به شما کمک کند و این شبکه پایدار بماند.

سؤالی که از شما داشتم این است که «عجلی» یکی از علمای اهل سنت یا وهابی در کتابی نوشته است: "قاتلین حسین بن علی با اینکه امام را کشتند، اما از عدالت نیفتادند."

حال چند تن از علمای بزرگ و رجال اهل سنت همانند «ابوحاتم»، «ابن معین»، «ذهبی»، «آجری»، «ابن حبان»، «ابو احمد حاکم» و چند تن دیگر که جمعاً چهل و هفت نفر می‌باشند، می‌نویسند:

"جناب «بخاری» از کسانی حدیث نقل کرده است که تمامی آنها ناصبی هستند." هزار و ششصد و پنجاه و یک نفر از روات سته اهل سنت و وهابیت از نظر این چهل و هفت نفر کذاب، دجال و دین فروش هستند.

«صحیح بخاری» و این همه کینه و عداوت با اهل بیت (علیهم السلام)؟!

سؤال من این است که در کتاب «صحیح بخاری» چطور از عادت شدن بانوان پیغمبر اکرم حدیث آورده است، اما یک جمله از اهل بیت پیغمبر اکرم نیاورده است؟!

چطور عادت ماهیانه خانمها فقه و سرنوشت ساز می‌شود، اما حادثه کربلا که اثرگذار بود در هیچ جای کتاب «بخاری» نیامده است؟! چرا یک سطر از خطبه‌های حضرت زینب را «محمد بن اسماعیل بخاری» ننوشته است؟!

به این دلیل که اهل بیت مخالف یزید بودند؟! به این دلیل که خداوند متعال در شأن اهل بیت (علیهم السلام) فرمود: محبت ذی القربى داشته باشید؟! به این دلیل که آیه تطهیر در شأن خاندان پیغمبر اکرم آمده است؟!

استاد! حادثه کربلا که افسانه نبود، چرا در کتاب «بخاری» که نام آن را «صحیح» گذاشتند نیامده است؟! حادثه کربلا اتفاقی است که افتاده بود. چرا این اتفاق را در کتاب‌های صحیح خود نیاوردند؟! این قضیه برای ما شیعیان جای سؤال است.

بنده می‌خواهم که شما از آقایان وهابی سؤال کنید که به ما جواب بدهند. خدا می‌داند در این کتاب چیزهایی در شأن و مقام پیغمبر اکرم نوشتند که بنده روی بیان کردن آن را ندارم و خجالت می‌کشم.

آقایان باید کتاب «صحیح بخاری» را بررسی و بازبینی کنند و بعضی موارد را حذف کنند. ممنون و سپاسگذارم از اینکه به من وقت دادید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده از شما تشکر می‌کنم. شما بحث عاشورا را مطرح می‌کنید، اما در کتاب «هدی الساری مقدمة فتح الباری» وارد شده است:

«أبو هريرة الدوسي أربعمائة وستة وأربعون حديثاً»

از ابوهریره دوسی چهارصد و چهل و شش روایت در کتاب صحیح بخاری نقل شده است.

همچنین او در مجموع پنج هزار و سیصد و هفتاد و چهار روایت دارد. حال ببینیم از امیرالمؤمنین به عنوان خلیفه چهارم چند روایت در کتاب «صحیح بخاری» آمده است. او باز هم در این کتاب می‌نویسد:

«علی بن أبی طالب بن عبد المطلب الهاشمی تسعة وعشرون حديثاً»

از علی بن أبی طالب بیست و نه روایت در کتاب صحیح بخاری نقل شده است.

آنوقت شما انتظار دارید که او قضیه عاشورا را مطرح کند؟! تمام روایاتی که از حضرت امیرالمؤمنین در تمام کتب اهل سنت آمده است، پانصد و سی و هفت روایت است.

این در حالی است که «ابن حزم أندلسی» می‌گوید: تنها پنجاه روایت از علی بن ابی طالب صحیح است. حال پنج هزار و هفتصد روایت «ابوهریره» همگی درست است!!

حال ببینیم از «عایشه» چقدر روایت آمده است. بنده تنها روایات کتاب «صحیح بخاری» را می‌آورم.

«عائشة بنت أبي بكر الصديق أم المؤمنين مائتان واثنان وأربعون حديثاً»

از عایشه دختر ابوبکر دویست و چهل و دو روایت در کتاب صحیح بخاری وارد شده است.

مشاهده کنید «ابن حجر» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت از عایشه دویست و چهل و دو روایت آورده است. حال ببینیم از حضرت فاطمه زهرا چند روایت آمده است:

«فاطمة الزهراء بنت سيدنا رسول الله حديث واحد»

حضرت زهراى مرضيه به قول شما هجده سال در خانه پیغمبر اکرم بود، اما ما معتقدیم حضرت نُه سال در خانه رسول الله بودند. همچنین بعد از این هم نُه سال در خانه حضرت امیرالمؤمنین بودند.

گفتنی است خانه حضرت فاطمه زهرا در کنار خانه رسول گرامی اسلام بود. پیغمبر اکرم قبل از آنکه به مسافرت بروند از حضرت فاطمه زهرا خداحافظی می‌کردند. همچنین وقتی حضرت از مسافرت برمی‌گشتند به دیدار حضرت فاطمه زهرا می‌رفتند.

پیغمبر اکرم هر روز صبح وقتی می‌خواستند صبحانه میل کنند در خانه حضرت فاطمه زهرا میل می‌فرمودند.

عایشه یکی از نُه زن پیغمبر اکرم بود، به طوری که از نُه شب حضرت تنها یک شب در خانه عایشه بودند. چطور از حضرت فاطمه زهرا یک روایت نقل شده است، اما از عایشه دویست و چهل و دو روایت نقل شده

است!؟

حال بر فرض «بخاری» کاری نکرده است. مجموع روایاتی که از عایشه نقل کردند دو هزار و دویست و ده روایت است، اما مجموع روایاتی که از حضرت فاطمه زهرا نقل شده است هجده روایت است!!

در تمامی کتب اهل سنت از جمله «سنن»، «صحاح»، «صحاح سته»، «مسانید»، «تفسیر»، «تاریخ» و دیگر کتب، تنها هجده روایت از حضرت فاطمه زهرا نقل شده است.

از طرف دیگر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) أم المؤمنین است. آن حضرت حداقل ده سال در دوران رسالت با رسول اکرم بودند. یعنی از حضرت خدیجه یک روایت هم نقل نشده است!؟

«حفصة بنت عمر بن الخطاب أم المؤمنین خمسة أحادیث خنساء بنت خدام حدیث واحد»

مشاهده کنید در اینجا بین این دو اسم باید نام خدیجه بیاید، اما هیچ اسمی از حضرت وارد نشده و «بخاری» حتی یک روایت هم از آن بزرگوار نقل نکرده است!!

امام حسن و امام حسین دو فرزند رسول گرامی اسلام است. در روایات آمده است که امام حسین همیشه روی زانوی رسول الله می‌نشستند. آن دو بزرگوار همیشه در مسجد رسول الله بودند. حال شما ببینید:

«جریر بن عبد الله البجلی عشرة أحادیث جندب بن عبد الله القسری ثمانية أحادیث حارثة بن وهب الخزاعی أربعة أحادیث حذيفة بن الیمان العبسی اثنان وعشرون حدیثا حزن بن أبی وهب المخزومی حدیثان حسان بن ثابت بن المنذر الأنصاری الشاعر حدیث واحد»

هدی الساری مقدمة فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت - 1379 - تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، محب الدین الخطیب، ج 1، ص 475 و 476، باب ذکر عدة ما لكل صحابی فی صحیح البخاری موصولا ومعلقا علی ترتیب حروف المعجم

مشاهده کنید در اینجا بعد از «جریر» و «حذیفة» و «حزن» و «حسان بن ثابت» باید نام امام حسن و امام حسین بیاید، اما یک روایت هم از امام حسن و امام حسین نقل نشده است!!

اگر ادعا می‌کنید امام حسن و امام حسین کوچک بودند، «عبدالله بن زبیر» تنها پنج ماه با امام حسن تفاوت سنی دارد. چطور شد از «عبدالله بن زبیر» با پنج ماه فاصله سنی، «بخاری» چندین روایت نقل کرده است، اما از امام حسن روایتی نیاورده است!

حال به سراغ دیگر کتاب‌های آقایان اهل سنت می‌رویم. در تمامی روایات اهل سنت از امام حسن سیزده روایت و از امام حسین هشت روایت نقل شده است. با این حساب جناب آقای بهادری، شما انتظار دارید «بخاری» قضیه کربلا را نقل کند!؟

مجری:

چقدر زیبا از همان ابتدا که سیر بحث آغاز شد، ما به سراغ عوامل حادثه عاشورا می‌گشتیم و فرمودید که اقتضای سیاست‌های این افراد این بود که بخواهند یک سری سنت‌ها را مخفی کنند. همین جریان ادامه داشت تا کتبی که تدوین می‌شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

به تعبیر «ابن تیمیه» تاکنون مادری همانند امام صادق نژائیده و همانند امام صادق به دنیا نیامده است. بزرگان اهل سنت از جمله «ابوحنیفه» و «مالک» شاگردان امام صادق بودند. با این توضیحات «بخاری» یک روایت هم از امام صادق و امام باقر نیاورده است!!

لازم به ذکر است که «بخاری» معاصر امام هادی و امام حسن عسکری بود. جناب بخاری! شما یک روایت از امام باقر و امام صادق می‌آوردید!

مجری:

هدفشان نقل واقعیت نبود، بلکه هدفشان این بود که می‌خواهند به نتیجه‌ای که خودشان می‌خواهند برسند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آن‌ها می‌خواستند کاری کنند که حکومت از آنها راضی باشد. ملاک نبود که خدا راضی باشد یا پیغمبر اکرم راضی باشد یا اهل بیت راضی باشند.

«احمد بن حنبل» هم با این افراد در یک زمان و حتی قبل از آنان بود. «احمد بن حنبل» متوفای 241 هجری و «بخاری» متوفای 256 هجری است و هر دو در یک عصر بودند. چطور «مسند احمد بن حنبل» مملو از روایات اهل بیت است؟!

در کتاب «مسند احمد بن حنبل» از امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین و دیگر ائمه اطهار روایات زیادی آمده است. چرا «بخاری» این روایات را نمی‌آورد؟ جای سؤال است و ما باید در این خصوص کمی دقت داشته باشیم.

بنده کاری به پیرمردها ندارم. آن‌ها چیزی در ذهن مبارک دارند که شاید قابل تغییر نباشد. گرچه در بسیاری از موارد وجود دارد که خداوند عالم در سن هشتاد یا نود سالگی، درهای هدایت را به روی آنها باز می‌کند؛ اما امام صادق (سلام الله علیه) فرمودند:

«عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 8،

ص 93، ج 66

ما از جوانان اهل سنت، طلبه‌ها و دانشجویان تقاضا داریم به بحث‌هایی که از ما می‌شنوند، حداقل به عنوان یک نقطه آغاز تحقیق بنگرند و ببینند که ما درست می‌گوییم یا خیر؟! ما در برنامه، کتاب را باز می‌کنیم و صفحه کتاب را هم نشان می‌دهیم.

وقتی بنده حرفی از کتاب «مقدمه صحیح بخاری» می‌زنم، این شخص باید در کتابخانه چند ساعت بگردد و این کتاب را پیدا کند و صفحه مورد نظر را پیدا کند و ببیند بنده راست می‌گویم یا دروغ می‌گویم.

ما در اینجا صفحه کتاب را باز می‌کنیم و در برنامه نشان می‌دهیم و همگان می‌بینند. برای این آقایان تنها یک زحمت هست و آن اینکه کمی تأمل و فکر کنند.

عزیزان من! بنده بارها گفتم که ما پنجاه بار به دنیا نمی‌آییم که هرگاه به دنیا آمدیم تجربه قبلی را جبران کنیم. ما یک بار به دنیا آمدیم و یک بار هم از دنیا خواهیم رفت. بدانید روزی خواهد رسید که ملک الموت به سراغ ما می‌آید. در آن روز می‌گوییم:

(رَبِّ اِرْجِعْوْنَ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ)

پروردگار من! مرا باز گردانید، شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم.

سوره مؤمنون (23): آیات 99 و 100

فردای قیامت عرضه می‌داریم: خدایا ما را به دنیا برگردان تا خود را اصلاح کنیم. خداوند عالم می‌فرماید: اگر شما را به دنیا برگردانیم، همان کارهای گذشته خود را تکرار خواهید کرد. بنابراین بنده از همگان، حتی شیعیان تقاضا می‌کنم قدری تحقیق و بررسی کنند.

مجری:

استاد! اطلاع دادند که در حد دو دقیقه دیگر فرصت داریم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

مردم ایران در ایام عاشورا در عزاداری، واقعاً سنگ تمام گذاشتند. ما باید از تک تک عزیزان قدردانی کنیم، دستشان را ببوسیم که با وجود اوضاع کنونی، الحق و الانصاف سنگ تمام گذاشتند.

در طول هفته، برای امام زمان خود چند ساعت کار می‌کنیم؟!

بنده تنها خواهشی دارم. ما در عاشورا برای امام حسین گریه کردیم و برای دشمنان امام حسین هم لعن فرستادیم. ما باید ببینیم الآن وظیفه ما در برابر امام زمان ما چیست؟!

آیا آنچه که امام زمان از ما می‌خواهند و وظیفه ماست انجام می‌دهیم که مانند هفتاد و یک نفر در کربلا باشیم یا در برابر حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) همانند دیگران بی تفاوت هستیم؟!

گریه کردن برای امام حسین خیلی عالی است و شاید ثوابی بالاتر از این تصور نشود. به قول «علامه امینی» که می‌گوید: تنها عامل نجات من زیارت امام حسین و گریه برای امام حسین بود.

ولی یکی از بهترین بهره برداری‌های ما این است که ما امام زمان خود را بشناسیم، یزید زمان خود را بشناسیم و خدای ناکرده همانند مردم بی وفای کوفه، در برابر حضرت ولی عصر نباشیم.

نکند روزها و شب‌ها بگذرد و به یاد امام زمان نباشیم و وظیفه و تکلیف خود را در برابر امام زمان انجام ندهیم.

در این صورت فردای قیامت بین ما و بین کوفیان هیچ تفاوتی نیست. آن‌ها با امام زمان خود چه کردند و بنده و شما در برابر امام زمان خود چه می‌کنیم.

ان شاءالله ما بخش مفصلی تحت عنوان "وظیفه ما در عصر غیبت" خواهیم داشت. در آن زمان کوفیان با شمشیر و نیزه و تیر به امام عصرشان حمله کردند، تعدادی بی تفاوت بودند و عده‌ای هم جانبازی کردند.

امروز هم شبکه‌های وهابی و فضای مجازی، علیه مذهب شیعه، علیه اهل‌بیت و علیه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. ما در این فضا چکار کردیم؟!

بنده در شب عید غدیر خم در حرم حضرت معصومه سخنرانی داشتیم، عرض کردم که وقتی از آقای «روح الله زم» سؤال کردند شما که علیه نظام کار می‌کردید، روزی چند ساعت کار می‌کردید؟ او گفت: ما روزی هجده ساعت کار می‌کردیم.

دوستان عزیز! ما برای امام زمان خود در طول هفته چند ساعت کار می‌کنیم؟! ما در طول ماه برای اهل‌بیت چقدر کار می‌کنیم؟!

امیدواریم ان شاءالله عاشورا نقطه آغازی برای شناختن امام زمان (ارواحنا فداه) و آشنایی و عمل به وظایفمان باشد. ان شاءالله کار ما به جایی برسد که امام زمان ما از ما تقدیر کند.

همانطور که امام حسین در شب عاشورا فرمود: من اهل‌بیتی بهتر از اهل‌بیتم و اصحابی بهتر از اصحابم سراغ ندارم؛ ان شاءالله روزی برسد که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بفرمایند که من شیعه‌ای بهتر از شیعیانم سراغ ندارم.

مجری:

ان شاءالله بتوانیم همینطور که فرمودید باشیم. الحمدلله از تک تک مطالب بهره بردیم و استفاده کردیم و با این پیام، انتهای برنامه که بسیار شیرین و دلنشین بود.

از طرف دیگر هم انسان باید به خود پردازد و بتواند ببیند که در معرکه فعلی عاشورا در کجا ایستاده است. حضرت استاد بسیار بهره مند شدیم و از محضر شما استفاده کردیم.

آیت الله دکتري حسينى قزوینى:

خواهش می‌کنم. موفق و مؤید باشید.

مجری:

تشکر می‌کنیم از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبكة جهانی حضرت ولی عصر»، همه شما که تا انتهای برنامه، همراه برنامه «حبل المتین» بودید.

سؤالات زیادی به دست ما رسیده است، اما متأسفانه فرصت نشد که به آنها بپردازیم. ان شاءالله با همین شماره‌هایی که زیرنویس می‌شود در جلسات آینده برنامه «حبل المتین» را پیگیری و دنبال بفرمایید.

اللهم اجعل محيانا محيا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماننا ممان محمد و آل محمد اللهم صل على محمد و آل محمد

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته